

معاونت در قتل عمدی و چالش‌های حقوقی فراروی مجازات آن^۱

جمال بیگی^۲

مصطفی محمدپناهی^۳

چکیده

در حقوق موضوعه‌ی ایران، حکم شقوق معاونت در قتل عمد به طور جامع روشن نشده است. قواعد عمومی معاونت در قتل مانند سایر جرایم در مواد ۱۲۶ تا ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مندرج است. کیفر معاونت در قتل عمدی حسب امکان قصاص قاتل و یا عدم چنین امکانی به جهاتی نظیر دفاع فاقد جمیع شرایط مشروعیت یا انطباق رفتار معاون با مفهوم معاونت شرعی یا قانونی، متفاوت است. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که قضات در تعیین کیفر معاونت در قتل عمد، با مواد قانونی متعدد و احکام شرعی متهافتی مواجه اند؛ امری که تشتت آراء آنان را در پی دارد. این نوشتار چالش‌های فراروی مجازات معاون قتل عمد را در قانون مجازات اسلامی بررسی می‌نماید.

واژگان کلیدی: معاونت در قتل عمد، معاونت قانونی، معاونت شرعی،

مجازات معاون قتل عمد.

۱. تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۵/۴/۳۰، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۶/۲/۲۰.

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، نویسنده‌ی مسؤول:

jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.

درآمد

رفتار مجرمانه ممکن است با همکاری چند نفر ارتکاب یابد. این همکاری گاه به شکل مستقیم و با ارتکاب جمعی عنصر مادی جرم صورت می‌گیرد؛ و در مواردی، اشخاص به یک نفر که مباشر اصلی جرم است، یاری می‌رسانند. قانون‌گذار ایران از معاونت تعریفی ارائه نداده و صرفاً به ذکر مصادیقی از آن بسنده نموده است. وفق ماده‌ی ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عنصر مادی معاونت شامل تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، به کار بردن دسیسه، فریب و نیرنگ، سوءاستفاده از قدرت، تهیه‌ی وسایل ارتکاب جرم، ارائه‌ی طریق ارتکاب جرم و تسهیل وقوع جرم است. برخی حقوق‌دانان (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۲۱۱) این مصادیق را حصری دانسته‌اند. هم‌چنین به موجب تبصره‌ی ماده‌ی فوق، برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است.

برای جرم معاون، عنصر روانی دوگانه در نظر گرفته‌اند (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۲۱۸)؛ به این شرح که معاون باید قصد کمک یا تشویق داشته باشد و آگاه باشد که اعمال وی می‌تواند به مساعدت یا تشویق دیگری به ارتکاب جرم بیانجامد؛ هم‌چنین علم معاون به عنصر روانی مرتکب جرم لازم است.

جمع معاونت و شرکت در وقوع یک جنایت ممکن است؛ مانند آن که «الف» با تهیه‌ی سلاح برای «ب» و با شرکت او مبادرت به قتل «ج» نماید؛ در این فرض دو اتهام معاونت در قتل از طریق تهیه‌ی سلاح و شرکت در قتل با شلیک گلوله به مقتول متوجه «الف» است. در برخی موارد، معاونت در ارتکاب جنایت مصداق جمع مسبب و مباشر است؛ اما مباشر همواره باید اقوی باشد. این حکم در مصداق جمع طولی اسباب نیز جاری است.

نوشتار حاضر موضوع معاونت در قتل عمد را با تأکید بر چالش‌های فراروی تعیین کیفر این جرم، بررسی می‌نماید.

۱. ارکان معاونت در جرم قتل عمدی

با توجه به مبنای مجرمیت عاریه‌ای، معاونت در قتل عمد عبارت است از توافق آگاهانه‌ی دو یا چند نفر برای کشتن دیگری در چارچوب عملیات

مصرح در قانون به طور غیر مستقیم و بدون شرکت در انجام رکن مادی قتل (رضایی، ۱۳۸۵: ۲۴). با توجه به این تعریف، ارکان معاونت در قتل عمدی به شرح آتی است.

۱-۱. عنصر قانونی

قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ تکلیف معاونت در جرایم موجب قصاص را مشخص نکرده بود. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در بخش قصاص، مجازات معاون در قتل عمدی را سه تا پانزده سال حبس تعیین کرده^۱ و ماده‌ی ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ برای معاونت در قتل عمدی، در صورت نبود شاکی یا گذشت او و یا اجرا نشدن قصاص، از جهت ایجاد اخلال در نظم عمومی و بیم تجری مرتکب یا دیگران، مجازات حبس از یک تا پنج سال مقرر نموده است. این مهم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مورد توجه قرار گرفته و برای معاونت در قتل عمدی، مجازات تعزیری برقرار شده است. ماده‌ی ۱۲۷ قانون جدید و دو تبصره‌ی ذیل آن^۲، رکن قانونی معاونت در جرم و از جمله قتل عمد را تشکیل می‌دهد.

۲-۱. عنصر مادی

رکن مادی معاونت در قتل عمدی، رفتار فیزیکی مرتکب اعم از فعل و یا ترک فعل است؛ شرایط لازم برای تحقق معاونت شامل مؤثر بودن و به اتمام رسیدن رفتار معاون است. همچنین در رکن مادی معاونت در قتل، بررسی نتیجه‌ی جرم یعنی سلب حیات امری ضروری است.

۱. ماده‌ی ۲۰۷: «هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می‌شود و معاون در قتل عمد به سه تا پانزده سال حبس محکوم می‌شود».

۲. «در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است: الف- در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه؛ ب- ...؛ پ- ...؛ ت- در جرایم موجب تعزیر، ۱ تا ۲ درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی. تبصره‌ی ۱. ... تبصره‌ی ۲. در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجرا نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند (ت) این ماده اعمال می‌شود».

۱-۲-۱. رفتار فیزیکی

در خصوص قابلیت تحقق معاونت در قتل عمدی از طریق فعل، اختلاف نظری وجود ندارد؛ اما با توجه به تصریح قانون‌گذار به ارتکاب قتل عمدی از طریق ترک فعل، تحقق یا عدم تحقق معاونت در این حالت محل پرسش و ابهام است. توجه به این نکته ضروری است که ترک فعل دو گونه است؛ نخست، ترک فعلی که علت و سبب به وجود آمدن قتل نیست؛ دوم، ترک فعلی که به همراه شرایط دیگر، سبب مرگ قربانی شده و انجام آن وظیفه‌ی تارک^۱ بوده است. بیش‌تر مباحث در خصوص این نوع ترک فعل و نقش آن در جرم قتل عمدی است (شاگری و مرادی کندلاتی، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۱۰۹).

برخی معتقدند ترک فعل یا خودداری از انجام عمل را نمی‌توان به عنوان معاونت در جرم مجازات کرد (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۲۱۶) و نظر دیگر بر آن است که ترک فعل در شرایط خاص امکان وقوع جرم را تسهیل می‌کند و اگر بتوان ثابت کرد این ترک فعل در وحدت قصد با مباشر بوده است، معاون قابل مجازات است (نوربها، ۱۳۹۲: ۲۱۴)؛ دیدگاه سوم معاونت را در جرایمی که عنصر مادی آن به صورت ترک فعل است نیز قابل تحقق می‌داند؛ مانند مادری که فرزند خود را تحریک می‌کند (معاونت از طریق فعل) که به کودک خود شیر ندهد تا تلف شود. در مثال مذکور، عمل مادر معاونت از طریق فعل است و عمل دختر، قتل از طریق ترک فعل خواهد بود (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۲۱۸). عده‌ای فرض اخیر را ترک فعل مسبوق به فعل دانسته‌اند که از شمول ترک فعل خارج می‌باشد (حسنی، ۱۹۸۴: ۳۳۱-۳۳۰).

نظر ارجح این است که رکن مادی معاونت در قتل عمدی، به صورت فعل و ترک فعل قابل تحقق است. به عنوان مثال، سرایداری که از قصد پسر صاحب‌خانه برای قتل پدر مطلع است و به قصد تسهیل در جنایت، از قفل کردن درب منزل که وظیفه‌ی اوست خودداری می‌کند و مرتکب از این فرصت استفاده و مبادرت به قتل پدر می‌نماید، تسهیل وقوع جرم (بند پ ماده‌ی ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) نموده و معاون در قتل عمدی محسوب می‌شود. با این حال باید پذیرفت که

۱. وظیفه‌ی تارک نسبت به انجام فعل در چنین مواردی، ممکن است ناشی از قانون، قرارداد یا عرف باشد.

در ماده‌ی مرقوم، غلبه با مواردی است که با فعل امکان‌پذیر است. گفته شده است که در خصوص معاونت در قتل عمد از طریق ترک فعل، می‌توان از مفاد ماده‌ی ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)^۱ و وحدت ملاک گرفت (آقای‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۴۹).

۱-۲-۲. شرایط و اوضاع و احوال مقارن با رفتار فیزیکی

برای تحقق معاونت، صرف وقوع مصادیق آن مانند ترغیب، تهدید و تطمیع و هم‌چنین ارتکاب جرم از سوی دیگری کافی نیست؛ بلکه مؤثر بودن آن‌ها در وقوع جرم، شرطی اجتناب‌ناپذیر است و بر همین اساس، معاونت را باید جرم مقید به نتیجه دانست و نتیجه‌ی آن، وقوع جرم اصلی و مستلزم اثبات نوعی رابطه‌ی سببیت است. به عبارت دیگر، مقید به نتیجه بودن معاونت، به معنای مؤثر بودن در مرتکب و رفتار مرتکب اصلی است. به عنوان مثال در معاونت از نوع تحریک، صرف این که مرتکب تحریک شده و به ارتکاب قتل عمدی مصمم شود، کفایت نمی‌کند و مجازات معاون قتل عمدی منوط به سلب حیات از قربانی جرم است.

معاونت در قتل عمدی به صورت مباشرت، تسبیب و اجتماع آن‌ها قابل تحقق است. مباشرت در معاونت در قتل عمدی به این معنا است که فرد بدون واسطه در قتل عمد معاونت کند؛ مانند دادن سم به مرتکب جهت ریختن در دهان بزه‌دیده؛ تسبیب در معاونت در قتل عمدی این‌گونه محقق می‌شود که فرد به طور مستقیم نتیجه‌ی مرتکب اصلی را ایجاد نمی‌کند؛ مانند آن که «الف» سم را تهیه و به «ب» می‌دهد تا آن را به مرتکب اصلی جهت خوردن به قربانی جرم تحویل دهد.

در اجتماع میان معاون سبب و مباشر، قاعده‌ی کلی آن است که معاون مباشر مسؤول است؛ مگر آن که معاون سبب اقوی از معاون مباشر باشد؛ ممکن است معاونان مباشر و سبب، به طور مشترک در قتل عمدی ارتکابی مسؤول باشند؛

۱. «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود؛ چنان‌چه توانایی انجام آن فعل را داشته است جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی یا خطای محض است؛ مانند این که مادر یا دایه‌ای که شیر دادن را بر عهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند».

مانند آن که پزشک و پرستار با قصور در کمک‌رسانی به بیمار توسط مرتکب اصلی کوتاهی کنند؛ در این صورت هر دو به عنوان معاون قتل عمدی مسؤول می‌باشند. از دیگر شرایط تحقق عنصر مادی معاونت، این است که عملیات مادی انجام یافته از ناحیه‌ی معاون باید در قالب یکی از موارد و مفاهیم مصرح در قانون باشد. به عبارت دیگر، برای تحقق معاونت در جرم، عملیات معاون باید در قالب یکی از موارد پیش‌بینی شده در ماده‌ی ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی متجلی شود؛ بنابراین ارتکاب هر رفتاری از ناحیه‌ی معاون، تا زمانی که در چارچوب یکی از موارد مصرح در قانونی نباشد، معاونت محسوب نمی‌شود.

۱-۲-۳. نتیجه

آخرین جزء از رکن مادی معاونت در قتل عمدی، این است که مرتکب یکی از موارد تصریح شده در ماده‌ی ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی را به طور کامل به اتمام رسانیده باشد. بنابراین برای تحقق معاونت در قتل عمدی، کافی نیست که کسی عملیات مادی مربوط به یکی از موارد منصوص در ماده‌ی مرقوم را شروع کرده باشد؛ بلکه باید آن عملیات را به طور کامل انجام دهد. بدین ترتیب، بر خلاف معاونت در شروع به قتل عمدی، شروع به معاونت در قتل عمدی قابل تصور نیست؛ مگر این که عملیات انجام‌یافته از ناحیه‌ی معاون دارای عنوان کیفری مستقل باشد؛ که در این صورت، معاون تنها به همین لحاظ قابل مجازات است.

۱-۲-۴. شروع به معاونت در قتل عمدی

از اطلاق عنوان قانونی معاونت در جرم استنباط می‌شود که معاونت در جرم، منصرف از آن است که جرم مرتکب اصلی تام یا ناقص باشد؛ بنابراین افزون بر معاونت در قتل عمدی، معاونت در شروع به قتل عمدی هم جرم محسوب می‌شود که با بند «ت» ماده‌ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی قابل مجازات است؛ اما در خصوص وصف مجرمانه‌ی شروع به معاونت در قتل عمدی، از آن جا که تحقق معاونت به ارتکاب جرم یا شروع به اجرای آن از سوی دیگری متوقف است و در غیر این صورت، معاونت وصف مجرمانه نخواهد داشت تا معاونت در معاونت مصداق

یابد؛ لذا شروع به معاونت در قتل عمدی به دلیل ناتمام ماندن و عدم تحقق وصف مجرمانه‌ی معاونت، جرم محسوب نمی‌شود.

۳-۱. عنصر معنوی

تحقق معاونت در قتل مشروط به موافقت و تبانی معاون و مباشر در خصوص قتل ارتكابی معین است و لازم است که معاون از ماهیت مجرمانه‌ی عملی که مباشر اصلی قصد ارتكاب آن را دارد، عالم و آگاه باشد. به عبارت دیگر، شرط است که قصد معاون بر قصد مباشر منطبق باشد؛ به این معنا که مباشر بخواهد مرتکب قتل «الف» شود و معاون هم بخواهد که مباشر مرتکب قتل «الف» شود. (رحمدل، ۱۳۸۹: ۱۴۴). از اطلاق و عموم مفاد ماده‌ی ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) می‌توان برداشت نمود که قانون‌گذار تحقق معاونت را در تهیه‌ی وسایل ارتكاب جرم قتل و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای ارتكاب قتل، منوط به علم و اطلاع معاون از قصد مباشر برای ارتكاب جرم دانسته است. از طرف دیگر، این توافق و وحدت قصد باید برای ارتكاب جرم قتل به نحو معلوم و معین بین معاون و مباشر اصلی و در محدوده‌ی موارد مذکور در قانون حاصل شده باشد. بنابراین چنانچه معاون از قصد مجرمانه‌ی مباشر اصلی جرم مطلع نباشد، کمک و یاری او، معاونت در قتل محسوب نخواهد شد.

معاونت در قتل‌های عمد مندرج در بندهای «الف» و «ت» ماده‌ی ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، با قصد انجام قتل محقق می‌شود؛ بدون آن که آلت قتل دخالتی داشته باشد. به عنوان مثال، اگر کسی با چوب دستی که به ندرت کشنده است، قصد قتل کسی را کند و آن شخص فوت کند؛ یا بمبی تهیه کند تا دیگری در میدان مرکزی شهر کار بگذارد و در نتیجه‌ی انفجار افرادی به قتل رسند؛ تحویل‌دهنده‌ی چوب دستی با تحقق سایر شرایط و تهیه‌کننده‌ی بمب، معاون قتل عمدی محسوب می‌شوند.

برابر مقررات بند «ب» این ماده، در صورتی که قاتل عمداً فعل نوعاً کشنده‌ای مرتکب شود و منجر به نتیجه گردد، قتل عمد محقق می‌شود؛ و لو این که قصد قتل نداشته باشد. برای تحقق معاونت در این نوع قتل عمدی، صرف

انجام فعل نوعاً کشنده ملاک نیست، بلکه همین فعل باید عمداً هم صورت گیرد. حال چنانچه معاون چاقویی را در اختیار مباشر بگذارد تا قربانی جرم را بترساند یا مجروح کند؛ در فرض وقوع قتل، این که آیا دهنده‌ی چاقو در فرض توافق بر ترساندن یا در فرض توافق بر مجروح کردن، معاون در قتل عمدی محسوب می‌شود یا خیر، در چهار فرض قابل بررسی است:

نخست، در فرض وجود توافق میان دهنده‌ی چاقو با مباشر بر ترساندن قربانی جرم و نوعاً کشنده بودن این رفتار و عمد مباشر در ترساندن، دهنده‌ی چاقو معاون در قتل عمدی محسوب می‌شود؛

دوم، در فرض توافق میان دهنده‌ی چاقو با مباشر بر ترساندن قربانی جرم و به ندرت کشنده بودن این رفتار و یا عمد و آگاهی و توجه نداشتن مباشر در ترساندن، دهنده‌ی چاقو معاون در قتل عمدی نخواهد بود؛

سوم، در فرض وجود توافق میان دهنده‌ی چاقو با مباشر بر مجروح کردن قربانی جرم و نوعاً کشنده بودن این رفتار و عمد مباشر در مجروح کردن، دهنده‌ی چاقو معاون در قتل عمدی خواهد بود؛

چهارم، در فرض وجود توافق میان دهنده‌ی چاقو با مباشر بر مجروح کردن قربانی جرم و به ندرت کشنده بودن این رفتار و یا عمد و آگاهی و توجه نداشتن مباشر در مجروح کردن، دهنده‌ی چاقو معاون در قتل عمدی محسوب نمی‌شود. در بند «پ» ماده‌ی ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، قصد قتل و نوعاً کشنده بودن فعل لازم نیست، اما نوعاً کشنده بودن نسبت به شخص خاص ملاک است؛ همچنین قاتل باید آگاه باشد که این فعل نسبت به این شخص خاص می‌تواند کشنده باشد. به عنوان مثال، الف، به تحریک «ج»، «ب» را به درون برکه‌ای می‌اندازد و «ب» غرق می‌شود و قاتل آگاه است که شخص «ب» شنا نمی‌داند؛ در چنین فرضی، اتهام شخص «ج» معاونت در قتل عمدی ارتكابی توسط شخص «الف» (موضوع بند «پ» ماده ۲۹۰ قانون) خواهد بود.

معاونت صرفاً در قتل عمدی قابل تحقق است. هم‌چنین معاونت عمدی تنها در قتل عمدی جرم محسوب می‌شود و معاونت عمدی در قتل غیر عمدی و یا معاونت غیر عمدی در قتل عمدی و به طریق اولی معاونت غیر عمدی در قتل غیر



عمدی از شمول ماده‌ی ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) خارج است. با وجود این، در برخی آراء دیوان عالی کشور و آثار برخی حقوق دانان، مثال‌هایی از معاونت در جرایم غیر عمدی ارائه شده و همین امر اختلاف نظرانی را در موضوع تشخیص معاونت در پی داشته است. این گروه معتقدند مقصود از وحدت قصد در تبصره‌ی ماده‌ی ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، وجود وحدت در میزان قصدی است که در این‌گونه جرایم از مباشر انتظار می‌رود؛ یعنی قصد انجام فعل ارتكابی بدون قصد ایجاد نتیجه. برای مثال، برای تحقق قتل با ایراد جراحت یا صدمه‌ی بدنی غیر عمدی ناشی از مستی در حال رانندگی، راننده باید قصد فعل یعنی قصد رانندگی در حال مستی را داشته باشد؛ حال اگر شخص دیگری در همین میزان از قصد با وی وحدت داشته، یعنی در حال رانندگی لیوان‌های حاوی مشروب را یکی پس از دیگری به راننده بدهد، وی را معاون در قتل غیر عمدی دانسته‌اند (میر محمد صادقی، ۱۳۹۳: ۲۰۸). رای شماره‌ی ۲۴۹۵ مورخ ۱۳۱۹/۴/۳ صادره از شعبه‌ی دوم دیوان عالی کشور نیز آورده است که اگر مکانیسیین به شاگرد خود که گواهی‌نامه‌ی رانندگی ندارد، دستور دهد که اتومبیل را به خارج شهر برده و مورد معاینه قرار دهد و در مسیر تصادف منتهی به فوت واقع شود، مکانیسیین معاون در قتل غیر عمدی است (مصطفایی، ۱۳۹۲: ۴۹-۵۰).

۲. مجازات معاون در قتل عمدی

قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) همانند قانون سابق، برای معاون در قتل عمد، افزون بر مجازات قانونی تعزیری، مجازات شرعی هم مقرر نموده است.

۲-۱. مجازات قانونی

مجازات‌هایی که برای معاون قتل عمدی پیش‌بینی شده است، در فروضی به شرح آتی قابل توجه است.

۲-۱-۱. در صورت اجرای قصاص نفس

طبق ماده‌ی ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) «هرگاه مسلمانی کشته

شود، قاتل قصاص می‌شود و معاون در قتل عمد به سه تا پانزده سال حبس محکوم می‌شود.^۱ قانون مجازات اسلامی جدید به مجازات معاون در قتل عمدی اشاره نکرده و صرفاً در ماده‌ی ۱۲۷ تکلیف معاونت در جرم را در کلیه‌ی جرایم منتهی به سلب حیات مشخص نموده است. شرط اساسی برای اعمال این ماده، اجرای قصاص قاتل است و در غیر این صورت، صرف نظر از مسلمان بودن قاتل و غیر مسلمان بودن مقتول و یا ساقط شدن قصاص به هر دلیل، حکم این ماده اجرا نخواهد شد (آقایی‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۰۸)؛ اجرای حکم مندرج در این ماده منوط به آن است که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد. به موجب بند «الف» ماده‌ی مذکور، مجازات معاون در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات است، حبس تعزیری از درجه‌های دو یا سه است که در مقایسه با قانون قبلی می‌توان گفت مجازات معاون در قتل عمد تشدید شده است.

۲-۱-۲. در صورت عدم اجرای قصاص نفس

مطابق ماده‌ی ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) «هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری^۱ مرتکب یا دیگران گردد، موجب حبس تعزیری از سه تا ده سال خواهد بود»؛ به موجب تبصره‌ی این ماده: «در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال می‌باشد». پس اگر قاتل قصاص می‌شد، مجازات معاون مشمول ماده‌ی ۲۱۷ یعنی سه تا پانزده سال حبس بود و در غیر این صورت، طبق تبصره‌ی ماده‌ی ۲۰۸ به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌گردید. مشابه این حکم در تبصره‌ی ماده‌ی ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ نیز پیش‌بینی شده است؛ با این بیان که در این مورد، معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود.

تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) به فرضی اشاره نموده که با مقررات صدر ماده در تعارض است. به موجب این تبصره «در صورتی

۱. تجری حالت روانی مجرم و بیم تجری، حالت دلواپسی و دلهره‌ی مجریان قانون را نشان می‌دهد (نظریه‌ی شماره‌ی ۷/۵۱۹۰ مورخ ۱۳۷۹/۸/۵ اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه).

که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجرا نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند (ت)، اعمال خواهد شد». در بند «ت» هم مجازات معاون «در جرایم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی» خواهد بود. لذا با عطف به ماده‌ی ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) و ماده‌ی ۱۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) می‌توان گفت که مجازات معاون در قتل عمدی در فرض عدم اجرای قصاص، بیش از شش ماه تا پنج سال خواهد بود.

اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه در نظر مشورتی شماره‌ی ۷/۹۲/۹۴۹ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۶ آورده است: «با توجه به صراحت ماده‌ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) چنان‌چه مجازات دیگری در شرع یا قانون برای معاون تعیین نشده باشد، به شرح مقرر در بندهای ذیل این ماده مجازات تعیین می‌گردد. بنابراین با توجه به تعیین مجازات معاون قتل عمد در تبصره‌ی ماده‌ی ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵)، باید بر اساس همین تبصره مجازات معاون تعیین شود».

بدین ترتیب مهم‌ترین چالش فراروی قضات در تعیین کیفر معاون قتل عمد در فرض عدم قصاص قاتل، مغایرت حکم تبصره‌ی ماده‌ی ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) با حکم مندرج در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) است. ممکن است گفته شود حکم تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۲۷ مربوط به گذشت اولیای دم نمی‌شود تا میان این دو مقرره‌ی قانونی مغایرت محقق شود؛ اما با توجه به این که در این تبصره، عدم اجرای قصاص نفس «به هر علت» منوط شده است و گذشت اولیای دم مصداق اجلا‌ی عدم اجرای قصاص نفس می‌باشد، لذا این تهافت به قوت خود باقی است؛ هم‌چنان که در تعیین کیفر معاون در قتل موضوع تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)^۱ نیز که قاتل به لحاظ تحقق دفاع فاقد جمیع شرایط مشروعیت قصاص نفس نمی‌شود، این مغایرت وجود دارد.

راهکار رفع این چالش به گونه‌ای که ناسخ حکم هیچ یک از تبصره‌ها نباشد،

۱. «در مورد بند (ت) چنان‌چه نفس دفاع صدق کند، ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص منتفی است، لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می‌شود».

بر پایه‌ی قاعده‌ی اصولی «الجمع مهمما امکن اولی من الطرح^۱»، بر این مبنا استوار است که معاونت در قتل عمد را در فرض اخلال در نظم جامعه و تحقق سایر شرایط مندرج در ماده‌ی ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵)، شامل کیفر تبصره‌ی این ماده نماییم و در فرض عدم اخلال در نظم جامعه، کیفر معاون در قتل عمدی را برابر مقررات تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) تعیین کنیم. اجرای این راهکار، ضمن رفع تعارض با اصل تناسب کیفر، با شدت جرم ارتكابی هم سازگار است.

پرسش قابل طرح این که اگر اولیای دم صرفاً نسبت به قاتل و قصاص نفس اعلام گذشت کنند، آیا مجازات معاون تخفیف می‌یابد. در پاسخ باید گفت تخفیف کیفر معاون قتل عمدی در این خصوص، از نوع تخفیف قانونی است که به تبع عدم اجرای قصاص قاتل به هر علت از جمله اعلام گذشت اولیای دم، به صورت قهری شامل حال معاون در قالب مجازات کم‌تر می‌شود. بدیهی است هرگاه اولیای دم افزون بر قاتل، نسبت به معاون هم اعلام گذشت نمایند، چنین معاونی از تخفیف قضایی مندرج در ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)^۲ هم می‌تواند بهره‌مند شود؛ چرا که مفهوم مخالف تبصره‌ی ۲ این ماده، اجازه‌ی تخفیف دوباره در این خصوص را به دادگاه داده است. هم‌چنین در فرضی که اولیای دم صرفاً نسبت به معاون قتل عمد گذشت کنند، این تخفیف قضایی شامل معاون در اعمال کیفر مقرر طبق بند «الف» ماده‌ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) خواهد شد.

۱. در معنای این قاعده باید گفت تا زمانی که بین دلالت دو دلیل امکان جمع عرفی باشد، لازم است آن جمع صورت گیرد. یعنی اگر میان دو ماده‌ی قانونی در نگاه اولیه تعارض و تفاوت‌هایی مشاهده شود، اگر بتوانیم بین آن‌ها جمع عرفی ایجاد کنیم، اولی از آن است که یکی از آن دو و یا هر دو را از مقام استناد خارج نماییم.

۲. «جهات تخفیف عبارتند از: الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی؛ ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن؛ پ- اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم؛ ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی؛ ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری؛ ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن؛ چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه‌دیده یا نتایج زیان‌بار جرم؛ ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم.»

۲-۲. مجازات شرعی

قانون‌گذار ایران در تعیین مجازات معاون، گاه مجازات خاصی^۱ پیش‌بینی کرده و گاه مجازات معاون را از مجازات مباشر به عاریه گرفته است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۵۸-۵۷)؛ به موجب مفهوم مخالف صدر ماده‌ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، اگر در شرع یا قانون مجازات خاصی برای قاتل وجود داشته باشد، همان مجازات اعمال خواهد شد. قتل عمد از جمله جرایمی است که در پاره‌ای موارد مجازات‌های شرعی برای معاون آن پیش‌بینی شده است که در دو مورد قابل توجه است: نخست، برای «ممسک آ»؛ دوم، برای «ناظر بر قتل آ»؛ در این فروض، قصاص بر قاتل است و نگه‌دارنده به حبس ابد محکوم می‌شود و دیده‌بان را نابینا می‌کنند^۲ (موسوی خمینی، ۱۳۸۲: ۲۷۹/۴).

برخی حقوق‌دانان عقیده دارند با وجود مجازات‌های قانونی، دادگاه مجاز به تعیین مجازات‌های شرعی برای بعضی از مصادیق معاونت در قتل عمدی که حتی نقش آن‌ها در کمک به قاتل ضعیف‌تر از موارد قانون است نخواهد بود (آقایی‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۰۷). در تشکیک این نظر کافی است به تقدم واژه‌ی «شرع»، نسبت به «قانون» در صدر ماده‌ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در مقایسه با تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۴۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰)^۳ دقت شود که حکایت از پای‌بندی مقنن به حکم معاونت شرعی قتل عمدی دارد.

مهم‌ترین چالش فراروی قضات در پای‌بندی به این دیدگاه، جایی است که قاتل به دلایلی از جمله گذشت اولیای دم قصاص نمی‌شود. در چنین مواقعی، آیا مجازات معاونان شرعی قاتل یعنی ممسک و دیده‌بان هم تقلیل پیدا کرده و

۱. مقصود از مجازات خاص، مجازات تعیین شده در شرع برای شخص ممسک و ناظر است (کریمی و موسوی مجاب و آقابابایی بنی، ۱۳۹۲: ۲۴).

۲. به معنای کسی که شخصی را نگه دارد تا دیگری او را به قتل برساند.

۳. یعنی فردی که با مراقبت از پیرامون صحنه‌ی جرم، با قاتل همکاری می‌کند.

۴. «لو امسکه و قتله آخر قتل القاتل وحبس الممسک موبدا حتی یموت بعد ضرب جنبیه و یجلد کل سنه خمسین جلده ولو اجتمعت جماعه علی قتل شخص فامسکه احدهم و قتله اخر و نظر الیه ثالث، فعلی القاتل القود وعلی الممسک الحبس موبدا حتی الموت وعلی الناظر ان تفقا عیناه».

۵. در صورتی که برای معاونت جرمی مجازات خاص در قانون یا شرع وجود داشته باشد، همان مجازات اجرا خواهد شد.

مشمول احکام قانونی خواهد شد؛ یا آن که مجازات به جهت حدی و ثابت بودن، کاهش یا قابل تبدیل نیست.

مقدمه‌ی پاسخ به این پرسش، تعیین حق‌الله یا حق‌الناس بودن مجازات ممسک^۱ و دیده‌بان^۲ است؛ چرا که اگر حق‌الله باشد، در صورت عفو قاتل، ممسک باید تا پایان عمر در زندان باقی بماند و ضروری است که دیده‌بان نابینا شود؛ اما در صورت حق‌الناس بودن مجازات ممسک و ناظر، ولی دم می‌تواند با آن‌ها مصالحه کند و یا مجازات آن دو با توجه به عدم قصاص قاتل، تبدیل و تقلیل می‌یابد.

قانون‌گذار ایران متعرض این موضوع مهم نشده است؛ با این وجود در متون فقهی در این خصوص دو قول است:

قول نخست، حکم ممسک و دیده‌بان حکم‌الله و حد شرعی است که در اختیار ولی دم نیست و مانند شارب خمر است که مجازاتش قابل عفو یا اسقاط نمی‌باشد. این نظر را به امام خمینی نسبت داده‌اند (بنگرید به: مقتدایی، ۱۳۸۸: ۱). در نظر مشورتی شماره‌ی ۷/۱۱ مورخ ۱۳۸۱/۱/۱۵ اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه آمده است: «مجازات ممسک مذکور در استعلام حد است و حد مشمول مقررات آزادی مشروط یا مقررات دیگر که خاص مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده است نمی‌گردد».

قول دوم، با استناد به استفتائات صریح از امام خمینی و مرحوم فاضل لنکرانی^۳، حکم ممسک و دیده‌بان را از نظر مبانی، حکمی هماهنگ با حکم قتل و از حقوق‌الناس می‌داند؛ لذا ولی دم می‌تواند اجرای آن را مطالبه کند یا عفو نماید (مقتدایی، ۱۳۸۸: ۱). امام خمینی در پاسخ استفتاء پیرامون مجازات ممسک گفته‌اند: «حبس ممسک حق‌الناس است و با عفو ولی دم مجازات ساقط می‌شود» (بنگرید به: بیگی و الیاسی، ۱۳۹۲: ۵۹-۵۸).

با توجه به مطالب پیش‌گفته، هر چند فقهای اسلامی به نوع مجازات ممسک و ناظر در قتل عمد تصریح نکرده‌اند، اما اظهار داشته‌اند که طبق اصول

۱. «یحسب أبدا حتی یموت» (قبله‌ای خوبی، ۱۳۹۲: ۲۶).

۲. «تفقاً عیناً» (قبله‌ای خوبی، ۱۳۹۲: ۲۶).

۳. ظاهراً حق‌الناس است و با عفو ولی دم آزاد می‌شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳: ۱۵۰۹/۲).

حاکم بر مجازات‌ها، الحاق مجازات ممسک و ناظر در قتل به حق قصاص ولی دم یا حق تعزیر حاکم؛ به نحوی که دائرمدار درخواست یا اسقاط ولی دم باشد، امکان‌پذیر است (اسرافیلیان، ۱۳۸۶: ۲۰۱). به عبارت دیگر، در صورت اعتقاد به ماهیت تعزیری مجازات ممسک و ناظر در قتل عمد، بر فرض عدم قصاص قاتل و شمول حکم مقرر در ماده‌ی ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ بر وی، چنین معاونانی هم مشمول قواعد عمومی کیفر قانونی معاونت در قتل عمدی موضوع تبصره‌ی ماده‌ی فوق و هم‌چنین تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، می‌گردند.

با وجود نص صریح، قانون‌گذار در ماده‌ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، تعیین مجازات شرعی برای ممسک و ناظر در رویه‌ی قضایی چندان با استقبال مواجه نشده است؛ از جمله وفق نظر قضات دادگستری مشهد در مهرماه ۱۳۸۰ قابل توجه است که طبق آن: «اصل ۷۶ قانون اساسی مقرر داشته است که حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد؛ هم‌چنین ماده‌ی ۲ قانون مجازات اسلامی در مقام بیان اصل قانونی بودن جرم و مجازات، هر فعل یا ترک فعلی را که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب کرده است؛ بنابراین قانون در این مورد ساکت نیست تا بنا به فتاوی معتبر رجوع شود و چنانچه اقدام ممسک قابل انطباق با مقررات معاونت در جرم باشد، تحت همین عنوان قابل مجازات خواهد بود؛ و در غیر این صورت، مجازاتی نخواهد داشت؛ زیرا در مقررات جزایی، عنوان ممسک وجود ندارد» (کارخیران، ۱۳۹۲: ۲۱۱/۱).

در رأی اصراری شماره‌ی ۲۱ مورخ ۱۳۸۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور آمده است: «نظر به این که دادگاه رسیدگی‌کننده پس از نقض نوبت اول (شعبه‌ی چهارم دادگاه عمومی) طی دادنامه‌ی شماره‌ی ۱۲۳۶ مورخ ۱۳۷۸/۷/۲ تصریح نموده است: «فی‌الواقع عمل متهم دارای شرایط و ارکان معاونت در قتل عمدی است؛ زیرا عالماً عامداً در وقوع قتل تسهیل نموده که در فقه شیعه به آن عنوان ممسک داده شده است»؛ و با توجه به بیان عام ماده‌ی ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی که شامل تسهیل و معاونت در قتل به هر نحو ممکن می‌باشد، موجبی برای یافتن

مجازات مذکور در فقه پیدا نکرده و در نتیجه با قبول عنوان ممسک و تبعیت از دادنامه‌ی شماره‌ی ۲۰۷ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۳ شعبه‌ی دیوان عالی کشور به صدور رأی مبادرت ورزیده ... لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور، پرونده غیر قابل طرح تشخیص و جهت اقدام قانونی به شعبه‌ی محترم دیوان عالی کشور اعاده می‌گردد». بدین ترتیب، در رویه‌ی قضایی اعمال مجازات تعزیری برای ممسک پذیرفته شده و عمل ممسک را به لحاظ این که عالمأ و عامداً وقوع قتل را تسهیل می‌نماید، دارای شرایط و ارکان معاونت در قتل عمد تشخیص داده و از مصادیق آن دانسته‌اند.

به‌رغم این که دیدگاه مخالفان اجرای مجازات شرعی معاونت در قتل عمدی با اصول حقوقی سازگاری بیش‌تری دارد، مستندات نظر دیگر قوی‌تر است؛ زیرا ماده‌ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) تکلیف معاونت در تمامی عناوین مجازات‌ها اعم از حدود، قصاص و تعزیرات را معین کرده است و صدر این ماده اشعار می‌دارد در صورتی که در شرع یا قانون مجازاتی برای معاون مقرر گردیده، دادگاه باید همان مجازات را تعیین نماید و در صورتی که تعیین نشده باشد، آن‌گاه نوبت به اعمال موارد چهارگانه‌ی ماده‌ی ۱۲۷ این قانون و تبصره‌های آن می‌رسد.

برآمد

۱- پراکنده‌گویی قانون‌گذار در باب مجازات معاون در قتل عمدی، موجب شده است قضات در این باب با مواد قانونی متعدد و احکام شرعی متهاافت مواجه باشند؛ به‌ویژه آن‌که قانون‌گذار مقصود خود از اصطلاح «شرع» را در باب ممسک و ناظر مشخص ننموده است و لذا قاضی در اعمال این اصطلاح با نظرات متفاوت فقهی مواجه می‌شود.

۲- در رفع این چالش مناسب است مواد قانونی مربوطه با تأسی از اصول حقوق کیفری از جمله اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اصل تساوی مجازات‌ها و اصل تفسیر قوانین به نفع متهم بازبینی شود و یا با صدور رأی وحدت رویه، وصف رفتار معاون در قتل عمد از حیث حد یا تعزیری بودن روشن شود و کیفر معاونت در قتل عمدی در فروض مختلف احصاء گردد.

فهرست منابع

- آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، تهران: سمت، چاپ هفتم، ۱۳۸۸.
- آقایی‌نیا، حسین، *جرایم علیه اشخاص (جنایات)*، تهران: میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۴.
- اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، تهران: میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۳.
- اسرافیلیان، رحیم، *جرایم قابل گذشت*، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- الهی‌منش، محمدرضا و مرادی اوجقاز، محسن، *جرایم علیه اشخاص*، تهران: مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
- بیگی، جمال و الیاسی، پروانه، «*مجازات ممسک و ناظر در قتل عمدی بر پایه‌ی آموزه‌های فقهی و حقوق موضوعه ایران*»، فصل‌نامه‌ی فقه جعفری و حقوق نوین، شماره‌ی ۳، زمستان ۱۳۹۲.
- حسینی، محمود نجیب، *شرح قانون العقوبات القسم العام*، بیروت: دارالنهضة العربیه، ۱۹۸۴.
- رحمدل، منصور، «*نکاتی درباره معاونت در جرم*»، فصل‌نامه‌ی تحقیقات حقوقی آزاد، شماره‌ی ۱۰-۸، زمستان ۱۳۸۹.
- رضایی، غلامحسین، «*معاونت در قتل*»، ماهنامه‌ی دادرسی، شماره‌ی ۶۰، بهمن و اسفند ۱۳۸۵.
- سپهوند، امیرخان، *جرایم علیه اشخاص*، تهران: مجد، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
- شاکری، ابوالحسن و مرادی کندلاتی، اسفندیار، «*بررسی امکان ارتکاب قتل عمدی از طریق ترک فعل در فقه و حقوق کیفری ایران*»، فصل‌نامه‌ی فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره‌ی نخست، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- شامبیاتی، هوشنگ، *جرایم علیه اشخاص بر اساس قانون جدید*، جلد نخست، تهران: مجد، ۱۳۹۲.
- شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش، *نظریه‌های اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسایل کیفری*، جلد نخست، تهران: روزنامه‌ی رسمی کشور، چاپ دوم،

۱۳۷۷. قبله‌ای خویی، خلیل، ترجمه و تعلیق بر مبانی تکمله المنهاج: قصاص، تهران: سمت، ۱۳۹۲.
- صادقی، محمدهادی، *جرایم علیه اشخاص؛ صدمات جسمانی*، تهران: میزان، چاپ بیست و یکم، ۱۳۹۴.
- صانعی، پرویز، *حقوق جزای عمومی*، تهران: طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- کارخیران، محمدحسین، *کامل‌ترین مجموعه محشای قانون مجازات اسلامی*، جلد نخست، تهران: راه نوین، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
- کریمی، امیرمحمد و موسوی مجاب، سید درید و آقابابایی بنی، اسماعیل، «*معاونت در قتل عمدی از منظر فقه جزایی و حقوق موضوعه*»، فصل‌نامه‌ی مطالعات فقهی و فلسفی، شماره‌ی ۱۴، تابستان ۱۳۹۲.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد، *جامع‌المسائل*، جلد دوم، قم: بی‌نا، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.
- مقتدایی، مرتضی، *درس خارج فقه*، مدرسه فقاقت، ۱۳۸۸/۱۱/۱۱.
- گلدوزیان، ایرج، *بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی (۱-۲-۳)*، تهران: میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۲.
- مرادیان، یوسف‌علی و عزیزی آبی، فرشاد، *حقوق جزای اختصاصی (۱-۲-۳)*، تهران: مجد، چاپ نخست، ۱۳۹۴.
- مصطفایی، یحیی، «*مطالعه‌ی تطبیقی احکام معاونت و شرکت در قتل‌های غیر عمد در قوانین جزایی ایران و انگلستان*»، مجله‌ی کارآگاه، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۲۳، تابستان ۱۳۹۲.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، *تحریرالوسیله*، جلد چهارم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۸۲.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، *تحریرالوسیله*، جلد دوم، قم: دارالکتاب العلمیه اسماعیلیان نجفی، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- میرمحمدصادقی، حسین، *جرایم علیه اشخاص*، تهران: میزان، چاپ هجدهم، ۱۳۹۳.
- نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران: گنج دانش، ۱۳۹۲.